



مراسم امضای کتاب

در هر برنامه ای که برگزار می شود معمولا سخنران مقداری از آثار خود را برای عرضه به شنوندگان و دوستان تازه ای که پیدا می کند در معرض فروش می گذارد و شرکت کنندگان در برنامه نیز به سلیقه خود برای خرید کتاب اقدام می کنند و آنرا به امضای سخنران می رسانند. این عکس نیز یکی از آن لحظه ها را بازگو می کند.

این دانشگاه است که بعلت ویژگی دانشگاه دوک در زمینه پزشکی، به شهر پزشکی معروف گردیده و اساتید برجسته و افراد زبده و نخبه ای را در سطوح بسیار بالائی از تخصص در خود جا داده است.

خیام از دیدگاه صادق هدایت

مراسم سخنرانی نوح در ساعت ۳ بعدازظهر روز یکشنبه ۱۲ جون آغاز گردید، ابتدا آقای دکتر رضوانی ضمن خیر مقدم و معرفی نوح خلاصه ای زندگی و سوابق ادبی و سیاسی ایشان را بسمع حاضران رسانده و ضمن آن آثار منتشر شده استاد را

برشمردند و یادآور شدند که جلد چهارم کتاب «یادمانده ها» که در برگیرنده حوادث سیاسی، اجتماعی و ادبی دوران معاصر بوده و از افراد مؤثر و متأثر در این حوادث و خاطرات مربوط با آنها یاد میکند هم اکنون منتشر شده و در اختیار عموم قرار دارد و در حال حاضر جلد پنجم این مجموعه به بوسیله استاد در دست تهیه میباشد. سپس نوح رشته سخن را به دست گرفتند و ضمن تشکر از همه حاضران و دست اندرکاران برنامه به «مقایسه خیام و مولوی دوچهره متفاوت فرهنگ و ادب فارسی» که موضوع سخنرانی ایشان بود پرداختند. استاد در آغاز سخنرانی خود مختصراً در مورد جگونگی دانش اندوختن خود از سنین نوجوانی سخن گفتند و یادآور شدند که: در سن ۲۳ سالگی بعلت انتشار مجموعه شعر «گرگ مجروح» از زندان سردآوردم ولی از بخت خوش در زندان با اساتید بزرگی آشنا شدم که هریک از آنها از روز بعد از ورود من، زندان را برایم به کلاسهای مختلف درس تبدیل کردند که بمراتب غنی تر از مدارس



مهمانی پس از سخنرانی در دانشگاه دوک کارولینای شمالی

میزبانان و شرکت کنندگان در مراسم سخنرانی کوشش می کنند که با مهمان بیشتر آشنا شوند و به او بد نگذرد. در این مراسم نیز که در منزل آقای دکتر امیر رضوانی استاد دانشگاه دوک برگزار شد بخشی از عزیزانی که در برنامه سخنرانی حضور داشتند شرکت کرده اند. اشخاصی که در این عکس حضور دارند ایستاده از راست: محمود بدوحی، ناصرو کیلی، قاسم وطنچی، دکتر امیر رضوانی استاد دانشگاه دوک و رئیس انجمن فرهنگی ایرانیان کارولینای شمالی، اسد مهرابی، نصرت الله نوح، دکتر کامران ارمی، فریدون نعیمی راد، بهروز جهان نیا، پرویز ماهوتچیان. ردیف نشسته از راست: گلی نوایی، شهلا رضوانی، مریم ماهوتچیان، شهلا و کیلی

معمولی بود و از آنجائیکه از حافظه خوبی هم برخوردار بودم،



یاد مانده ها

از نصرت الله نوح

(۱۷۱)

www.safinehnooh.com

بجای یادمانده ها سخنرانی نوح را در دانشگاه دوک کارولینای شمالی بخوانید

خیام و مولوی دو چهره متفاوت و متناقض در فرهنگ و ادب فارسی

گنجینه غنی و پر بار شعر پارسی دارای گلهای گوناگون، با عطرها و بوهای مختلف است که شامه های متفاوت را خوش آیند است و هرکسی با ذوق و سلیقه خود در این گلستان پرباروبر، می تواند گلدسته هایی با رنگها و عطرهای متفاوت را در آغوش کشد. ساده تر باید از قول پیر بزرگ عرفان ایران باباطاهر بگوئیم:

متاع کفر و دین بی مشتری نیست گروهی آن گروهی این پسندند
اما آنانکه خودخواه و خود نگرند این رنگارنگی و تنوع تفکر و دیده گاه انسان های دیگر و آزاد اندیشی آنها را بر نمی تابند و بر آنها انگ هایی ناجوانمردانه و خودخواهانه می زنند. به قول یکی از بزرگان چه اشکالی دارد که در باغ بزرگ فرهنگ ما گلهایی با رنگهای مختلف برویند. در دومین دعوت به کارولینای شمالی که به دعوت کانون ایرانیان کارولینای شمالی و گروه شعر و ادب چیل هیل داهتم موضوع سخنرانی ام را «دوچهره متفاوت در فرهنگ و ادب فارسی» قرار دادم چون در دعوت گذشته «بررسی طنز در ادبیات و مطبوعات فارسی» موضوع سخنرانی ام بود. در اینجا باید از دوستان عزیز کانون ایرانیان کارولینای شمالی و آقایان دکتر امیر رضوانی استاد دانشگاه دوک و دوستم محمود بدوحی که سخنرانی مرا از نوار بازنویسی کرده و برایم فرستاده تشکر کنم و بتوانم پاسخگوی محبتهایشان باشم.

نوح به وعده خود وفا کرد

از: محمود بدوحی
در هشتم ماه جون سال ۲۰۰۸ بنا به دعوت کانون ایرانیان ایالت کارولینای شمالی، نوح در شهر چیل هیل حضور یافتند و در مورد طنز در ادبیات فارسی سخنرانی کردند. ایشان در این برنامه ضمن خواندن اشعاری از شعرای متفاوت و دوره های گوناگون از جمله اشعار خودشان، به تشریح جگونگی پیدایش و رواج طنز در ایران پرداختند که بشدت مورد استقبال حاضران واقع شد. در انتهای همان جلسه بسیاری از حاضران درخواست داشتند که سخنرانی ایشان برای زمان دیگری تجدید شود. در ماه مارچ سال جاری که آقای دکتر امیر رضوانی از اساتید برجسته دانشگاه دوک به نمایندگی از طرف انجمن دانشجویان دانشگاه دوک، مرکز هنری ایرانیان کارولینای شمالی و همچنین گروه شعر و ادب چیل هیل به همیاری آقای محمود بدوحی از استاد نوح رسماً برای انجام سخنرانی دعوت بعمل آوردند و اعلام داشتند که کمیته انتخاب سخنران، به اتفاق آراء دعوت از استاد نوح برای سخنرانی را تأیید و خواستار شده اند.

استاد نوح این درخواست را اجابت نمودند و در تاریخ هشتم ماه جون سال جاری دقیقاً سه سال پس از اجرای برنامه بسیار موفق اول، به ایالت کارولینای شمالی سفر کردند و در تاریخ ۱۲ ماه جون برای سخنرانی در دانشگاه دوک حضور یافتند. لازم به توضیح است که این دانشگاه یکی از معتبرترین دانشگاههای آمریکا و جهان بوده و در رشته های بسیاری از جمله مهندسی، قضائی، بازرگانی، نرسینگ و پزشکی از دانشگاههای پیشگام و لیدر جهان محسوب



Tamara Nakhjavani

Law Office of Tamara Nakhjavani

دفتر حقوقی تامارا نخبجوانی

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال

♦ تشکیل، ثبت و انحلال انواع شرکت ها ♦ تشکیل شرکت های غیر انتفاعی و به ثبت رساندن اوراق مالیاتی ♦ تهیه و تنظیم کلیه قراردادهای تجاری، بازرگانی و شراکت (مانند قرارداد مابین شرکاء، کارمند و کارفرما،...)

♦ برنامه ریزی دارائی ♦ تنظیم تراست و وصیت نامه

Protect Yourself & Your Business by Getting the Right Legal Advice!

Tel:(415)410-9199 Fax:(510)992-6701

tamara@nakhjavanilaw.com ♦ www.nakhjavanilaw.com

4096 Piedmont Ave., Suite 810, Oakland, CA 94611

دفتر خدمات اجتماعی یاری

به سرپرستی پوران مهدی زاده

با سرعت عمل، دقت و پشت کار، شما را همیاری می کند

♦ تابعیت ♦ ویزای H1B ♦ تعویض نام ♦ ویزای نامزدی

♦ سوشیال سکيوریتی ♦ تقاضای گرین کارت ♦ گرفتن بیمه های مدیکل و مدیکر ♦ گرفتن حقوق و مزایا برای اشخاص ۶۵ سال به بالا و غیره

Immigrantion Consultants ♦ Social Security Services

(510)558-688 ♦ (510)417-2477

در صورت احتیاج ما می توانیم به منزل و یا محل کار شما بیائیم

PO Box 6191, Albany, CA 94706 ♦ forpouran@yahoo.com

Islamic Society of California

مرکز اسلامی و خیریه ایرانیان

بزرگترین مرکز اسلامی در آمریکا

برای هر گونه خدمات مذهبی، انجام مراسم عقد شرعی، طلاق اسلامی و اطلاعات در مورد مسائل دینی با دفتر مرکز اسلامی تماس حاصل فرمائید!

انسانها گل هایی هستند که اگر باد خزان آنها را پژمرده کند،
عمر آنها باقی می ماند و هستی می جوید اگر به هستی بخش پناه آورند!

تنها مرکز اسلامی که برگ طلاق شرعی را برای بانوانی که شوهران آنان غایب هستند را صادر می کند و مورد تأیید مقامات دینی و دولتی نیز می باشد.

تلفن: ۶۶۶۶-۴۵۴ (۴۱۵)
فکس: ۵۹۵۵-۴۵۹ (۴۱۵)

۲۰ مایل شمال شهر سانفرانسیسکو

آدرس جهت مکاتبه

PO Box 418
Fairfax, CA 94978

آدرس جهت حضور در مرکز

781 Bolinas Road
Fairfax, CA 94930

ادامه مطلب **یادمانده ها...** از صفحه ۷

مضمون این رباعیات بر عقاید و فلسفه های متفاوت مبتنی است از قبیل الهی، طبیعی، دهری، صوفی، خوش بینی، بدبینی، تناسخی، افیونی، بنگی، شهوت پرستی، مادی، مرتاضی، لامذهبی، رندی، قلاشی، خدائی و وافوری. آنگاه سوالی که مطرح میشود این است که آیا ممکن است یک نفر اینهمه مراحل مختلف را پوئیده باشد؟

جواب این است که خیر. پس چه اتفاقی ممکن است رخ داده باشد؟ هدایت میگوید: خیام واقعی در این میان گم شده و باید او را جستجو و پیدا کنیم. خیامی که بما معرفی کرده اند معجون و ملقمه ای است از تمام این تناقضاتی که به او نسبت داده شده است. هر کسی که قصد داشته مطلبی را بگوید ولی بنام او نباشد آنرا بنام خیام نوشته و به او نسبت داده است. برای اینکه خیام واقعی را پیدا کنیم لازمست که رد او را از ابتدا در تاریخ جستجو کنیم.

اولین کتابی که با اهانت به خیام شاعر از او یاد می کند می بینیم که تا دویست سال بعد از مرگ خیام در هیچ کتابی از او بعنوان شاعر و صاحب رباعیات نام برده نمیشود. هدایت کتابهای مختلف را مرور کرده و می گوید قدیمی ترین کتابی که در آن از خیام نام برده شده چهار مقاله نظامی عروضی است.

در آن کتاب نظامی میگوید من خیام را دیدم، بمن گفت اگر بمیرم جایی دفن خواهم شد که در آن روی قبرم گل بروید، ولی در این کتاب هیچ اشاره ای به اشعار خیام نشده است. کتاب بعدی تاریخ بیهقی است. بیهقی نیز مطلب عمده ای در مورد خیام ننوشته و سخنی درباره شاعر بودن خیام ابراز نداشته است، فقط از او بعنوان حجت الحق نام برده و او را بعنوان یک دانشمند معرفی میکند.

در ادامه بررسی کتابهایی که در آنها از خیام نام برده شده به کتاب نجم الدین رازی میرسیم. از زنده بودن خیام تا سال ۵۰۸ یعنی اوایل قرن ششم مطمئنیم، اما تاریخ فوتش نامعین است و از آن بی خبریم.

در سال ۶۲۱ یعنی صد سال بعد از این تاریخ، می بینیم که نجم الدین رازی صوفی بزرگ آن روزگار در کتاب «مرصاد العباد» به ناسزاگویی به خیام می پردازد و دو رباعی را به نام او چاپ کرده و میگوید این ملعون اشعارش برای شریعت از زهر هلاهل هم بدتر است. نجم الدین رازی دقیقاً در مورد خیام چنین نوشته است: یکی از فضلا که به نزد نایبایان، به فضل و حکمت و کیاست مشهور است و آن عمر خیام است، از غایت ضلالت این بیت(رباعی) را میگوید:

در دایره ای کامدن و رفت ماست

آنرا نه بدایت نه نهایت پیدااست

کس می نزند دمی در این عالم راست

کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست

بیت (رباعی)دوم:

دارنده چو ترکیب طایع آراست

باز از چه سبب فکندش اندرکم و کاست؟

گرزشت آمد این صورعیب که راست

ورنیک آمدخرابی از بهر چراست

اولین کتابی که خیام شاعر را معرفی کرد

پس از این دیگر در کتابها نامی از خیام دیده نمیشود تا در قرن هشتم، سال ۷۴۱ و در «مونس الاحرار» نوشته «بدرالدین جاجرمی». در این کتاب است که برای اولین بار از خیام بعنوان شاعری نام برده شده که صاحب ۱۲ رباعی است. می گوید یکی از شاگردان خیام در خاطراتش نوشته است که «من شاگرد حجت الحق حکیم عمرخیام بوده

ام، او گاهی که از درس دادن خسته میشد برای ما از رباعیاتش می خواند و من دوازده رباعی از او را گردآوری کرده ام» که بدرالدین جامی آنها را در کتابش چاپ کرده است. هدایت میگوید که بعد از مرگ خیام هر گروهی بنا به دلایل مربوط به خود تلاش کردند که او را توجیه کنند. عده ای او را صوفی می دانستند و عقیده داشتند که او صوفی بوده و به مرحله حیرت و فنا رسیده و بهمین علت از شگیات سخن می رانده است. می دانیم که در تصوف مراحل مختلفی وجود دارد که آخرین مرحله آن حیرت و فناست. عده دیگری میگویند که خیام در آخر عمر توبه کرده و با پای پیاده به مکه رفته است تا خدا از گناهانش بگذرد! حال ببینیم که آن دوازده رباعی منتسب به خیام که در مونس الاحرار آمده اند از چه قرار میباشند.

هدایت می نویسد که: این دوازده رباعی نشان میدهند که سراینده همه آنها صاحب یک عقیده بوده، هیچوقت تغییر عقیده نداده و تا پایان زندگی در همان خط فکری اولیه باقی مانده است. هدایت این رباعیات را شاهد گرفته و میگوید چند رباعی مربوط به ستین جوانی، تعدادی مربوط به میان سالگی و چندتای دیگر که مربوط به ستین پیری و هفتادسالگی او هستند، همه نشانگر ثبات فکری خیام در سراسر عمر او و صحت تعلق آن رباعیات به خیام میباشند.

رباعی اول بقرار زیر است:

هرچند گه رنگ و روی زیباست مرا

چون لاله رخ و چو سرو بالااست مرا

معلوم نشد که در طربخانه خاک

نقاش ازل بهر چه آراست مرا
از این رباعی که مربوط به دوران جوانی خیام است شک و تردید به طور کاملاً آشکار و مشاهده میشود و اما نمونه رباعیات مربوط به اواسط عمر:

افسوس که نامه جوانی طی شد

وان تازه بهار زندگانی دی شد

حالی که ورا نام جوانی گفتند

افسوس ندانم که کی آمد کی شد

و اینست نمونه تفکر خیام در سن هفتاد سالگی:

و بدین ترتیب میتوان دید که موضوع پای پیاده رفتن خیام به مکه نمیتواند واقعیت داشته باشد و وصله ای غیرواقعی است که به او چسبانده اند. بطور کلی در مورد خیام باید گفت که او انسانیت آگاه در نجوم، ریاضی، فلسفه و حکمت و قبل از اینکه بعنوان شاعر شناخته شود بعنوان یک فیلسوف، دانشمند، حکیم و یک منجم معروف بوده و در تمام کتب در زمانهای مختلف به این نکات اشاره شده است.

خیام ریاضی دان را فراموش نکنیم

همچنین میدانیم که رساله جبر و مقابله او از معروفترین کتابهایش محسوب میگردد. خیام کتابهای دیگری نیز به زبان فارسی دارد که «نوروز نامه» است. این کتاب از نثر زیبایی برخوردار است و پس از هزار سال هنوزهم قابل استفاده میباشد. تعداد دیگری از آثارش به زبان عربی است که به زبان روز آزمان بود نوشته شده اند. لازم به تذکر است که تمام دانشمندانی که در آن زمان حضور داشتند مطالب خود را به زبان عربی می نوشتند، چون

وقتی که اعراب بر ایران مسلط شدند، همه آثار ایرانی را غارت کردند و سوزاندند. میهن پرستان ایرانی برای حفظ آثار قدیمی ناچار شدند که آنها را با زبان عربی ترجمه کنند. چون میدانستند که زبان پهلوی آنها با تسلط اعراب از بین خواهد رفت. دو نفر از معروفترین این وطن پرستان یکی جریر طبری صاحب تاریخ بزرگ طبری و دیگری ابن مقفع بود. کتابهایی که از آزمان برای ما باقیمانده اند بخصوص به بهای خون ابن مقفع، که منصور او را در سن ۳۶ سالگی قطعه قطعه کرد و در آتش تنور سوزاند به دست ما رسیده اند. در مورد ابن مقفع، منصور خلیفه عباسی گفت: که این ملعون با این سن کم ما را فریب داده و آثار پهلوی بسیاری را به زبان عربی ترجمه و پخش کرده است که



نمایی از گوشه سالن سخنرانی در دانشگاه دوک

حضور دختران و پسران ایرانی که از دانشجویان دانشگاه دوک هستند در جلسه سخنرانی برای آدمی چون من مایه سربلندی است. اما چون فرصتی نیست تا نام و نشانی از یکایک آنها داشته باشیم مجبوریم با چاپ گوشه ای از عکس سالن سخنرانی بدون اشاره به نام و نشان شرکت کنندگان در مراسم سخنرانی، به قول ادبا بسنده کنیم، اگر ما اسامی آنها را نمی دانیم آنها که عکس خود را می بینند و حضور خود را در آن مراسم بیاد می آورند!

جمع آوری آنها برای ما غیرممکن است. در اینجا نوح خاطر نشان کرد که در جلد سوم یادمانده ها به تفصیل در مورد ابن مقفع و زندگانی و آثار او نگاشته است و سپس

من دامن زهد و توبه طی خواهم کرد

با موی سپید قصد می خواهم کرد

پیمانه عمر من به هفتاد رسید

این دم نگنم نشاط کی خواهم کرد



عکس تاریخی جغرافیایی با میزبانان مهربان من!

در دومین دعوت به کارولینای شمالی برای سخنرانی در دانشگاه دوک میزبانان من همان میزبانان بار اول بودند. که شرح آن در همین صفحات آمده است. این عکس تاریخی - جغرافیایی نیز یادگار همین جلسه است که شرح آن را خوانده اید. عزیزانی که در عکس حضور دارند آقای دکتر امیررضوانی استاد دانشگاه دوک و آقای محمود بدوحی دوست عزیز بنده که متن سخنرانی مرا در این جلسه از نوار پیاده کرده و برایم فرستادند که با کمی دستکاری و یا به قول فرنگی ها «ادیت» برای شما چاپ کرده ایم.

ادامه داد که یکی از این کتابهای ارزشمندی که بوسیله ابن مقفع و بمنظور حفظ آن به زبان عربی ترجمه شد کلیه و دمنه بود که در دوره انوشیروان توسط بروزیه طبیب از هندوستان به ایران آورده شده و به زبان پهلوی ترجمه شده بود.

با تسلط اعراب بر ایران نسخه پهلوی آن معدوم گردید ولی همانطوریکه گفته شد ابن مقفع با ترجمه این کتاب به زبان عربی آن را حفظ کرد و در قرن ششم نصرالله منشی دوباره آنرا به فارسی برگرداند.

فراموش نکنیم که کلیله و دمنه بهمراه مرزبان نامه تا قبل از اینکه در قرن هفتم کتابهای گلستان و بوستان توسط سعدی نوشته شوند از اولین کتابهای درسی مدارس بشمار می آمدند. نوح در ادامه صحبت در مورد خیام گفت که خیام مطمئن بود که در زندگی فردائی وجود ندارد و زندگی همین است که در حال گذر است و بهمین علت از مردن وحشت داشت. او هر روز پنجه های مرگ را بالای سر خود می دید و این وحشت را در بسیاری از شعرهایش میتوان ملاحظه کرد. میگوید:

ایکاش که جای آرمیدن بودی

یا این ره دور را رسیدن بودی

ایکاش پس از هزارسال ازدل خاک

چون سبزه امید بردمیدن بودی

ای آنکه نتیجه چهار و هفتی

و زهفت و چهاردایم اندر تفتی

می خور که هزار باربیشست گفتم:

باز آمدندت نیست چورفتی رفتی

یک قطره آب بود با دریا شد

یک ذره خاک بود با صحرا شد

آمد شدن تواندراین عالم چیست؟

آمد مگسی پدید و ناپیدا شد

دنباله مطلب در صفحه ۴۴

وکیل تصادفات و صدمات بدنی

کارولین ناصری

با بیش از ۲۲ سال تجربه

با ما می توانید ۲۴ ساعته تماس بگیرید

No Out of Pocket Expense



- * صدمات ناشی از حملات حیوانات
- * دعاوی افراد بدون بیمه اتومبیل
- * صدمات ناشی از شنا و قایق رانی
- * صدمات اتوبوس، قطار و هواپیما
- * سهل انگاری در تشخیص یزشکی

- * مرگ ناشی از سهل انگاری
- * تصادفات اتومبیل و موتور سیکلت
- * تصادفات تریلی و کامیون
- * اجناس خراب و فاسد
- * تصادفات دوچرخه

دفتر حقوقی کارولین ناصری

دفاتر در شهرهای، سن حوزه، اکلند، تورلاک-مودستو، ساکرامنتو
آشنائی به زبانهای فارسی، انگلیسی، اسپانیایی، آسوری و عربی

♦ مشاوره رایگان ♦ دریافت حقوق قانونی شما در اسرع وقت ♦ هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت حقوق قانونی شما در امور تصادفات، از شما دریافت نخواهد شد.

۱-۸۰۰-۵۲۵-۶۰۶۰

تلفن: ۲۹۸-۱۵۰۰ (۴۰۸) ♦ فکس: ۲۷۸-۰۴۸۸ (۴۰۸)

cnasseri62@yahoo.com

675 North First Street, San Jose, CA



کامران پورشامس

آیدین پورشامس

مشاورین املاک و سرمایه گذاری

Kamran Pourshams

Idean Pourshams

Res.: (408) 879-9343

Bus.: (408) 369-2000

Direct: (408) 369-2020

Cell: (408) 781-1200

DRE# 010666478

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

با ۳/۵ درصد پیش قسط

صاحب منزل دلخواه خود شوید!

Forclosure?!...Short Sale?!

آیا مشکل پرداخت اقساط ماهیانه منزلتان را دارید؟

آیا با مشکل از دست دادن خانه تان مواجه هستید؟

من با داشتن سال ها تجربه می توانم

آرامش خاطر شما را فراهم کنم تا بتوانید

در منزل دلخواهتان زندگی کنید.

لیست خانه های ضبط شده از طرف بانکها

برای گرفتن بهترین بهره بدون هزینه

با من تماس حاصل نمایید.

با ۵.۵ درصد کمسیون

خانه شما را با قیمت مناسب

بفروش میرسانیم.

Century 21



Alpha Realty

www.kipdreamhomes.com

«ارزیابی رایگان»

ادامه مطلب **جشنواره فیلم های...** از صفحه ۲۸

ویگو» سینماگر معروف فرانسه است.جشنواره فیلم های ایرانی سن فرنسیسکو، علاوه بر حمایت از فیلمسازان ایرانی سراسر دنیا، می کوشد تا ازهنرمندان دیگر در رشته های وابسته به سینما که شامل هفت هنر می شود حمایت کند و در طول جشنواره برنامه زنده یی توسط «پژهام اخواص» که تحصیلاتش در رشته موسیقی و آلات موسیقی ایرانی به ویژه تنبک و دف است اجرا خواهد کرد که تماشایی است.

♦♦♦♦

برای اطلاعات بیشتر از کلیه برنامه ها، و حمایت از این جشنواره فرهنگی که در طول عمر کوتاهش تا دورترین نقاط این جهان پهناور که ایرانی ها به آن جا کوچ کرده اند رسوخ پیدا کرده، به تارنمای این جشنواره مراجعه نمایید و با حمایت هایتان بکوشید تا این نغمه به بلند گویی برای جامعه ایرانی خارج از ایران مبدل شود.

ادامه مطلب **یاد مانده ها...** از صفحه ۸

میدانیم که از محسنات حافظ یکی این است که همواره و در سخت ترین شرایط به انسان ها امید میدهد.از دلایل گرفتن فال حافظ و توجه و محبت ما ایرانیها به حافظ یکی این است او وقتی که ایران مورد حمله مغولها قرار گرفت مثل سعدی از ایران نگریخت و در شیراز باقی ماند و روی خرابه های مغول زده ایران نشست و همواره به مردم امید رهایی داد:

یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

این دل غمدیده حالش به شود دل بد مکن

وین سر شورید بازآید به سامان غم مخور

دور گردون گر دو روزی بر مرداد ما نگشت

دائماً یکسان نماند حال دوران غم مخور

گر بهار عمر باشد باز بر طرف چمن

چتر گل برسرکشی ای مرغ خوشخوان غم مخور

هان مشو نوמיד چون واقف نه ای ز اسرار غیب

باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور

ایدل ارسیل فنا بنیاد هستی برکند

چون ترا نوح است کشتییان ز توفان غم مخور

گرچه منزل بس خطرناکست و مقصد ناپدید

هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور
حافظ در بسیاری از غزلها ضمن دادن امید، پنجه های استخوانی مرگ را نیز خیام واربر بالای سر خود می بیند:

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد

چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

گل عزیزست غنیمت شمردیش صحبت

که باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد

ماه شعبان منه از دست ققدح کاین خورشید

از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد

گر زمسجد به خرابات شدم خرده مگیر

مجلس وعظ درازست و زمان خواهد شد

ایدل ار عشرت امروز به فردا فکنی

ماپه نقد بقا را که ضمان خواهد شد...

«آکوردئون» فیلمی است شخصی و نشانگر بخش فقیری از جامعه ایران و داستان دختر و پسری که برای نجات مجبور می شوند برای جمع آوری پول در خیابان ها آکوردئون بزنند. فیلم آخر «پناهی» که به طور غیرقانونی به اسم «این فیلم نیست» ساخته در جشنواره کن امسال به نمایش درآمد. فیلم «پاکت کاغذی» ساخته «رامین بحرانی» کارگردان برجسته ایرانی –آمریکایی است که قهرمانش پاکتی است که باد آنرا از جایی به جایی دیگر می برد. فیلم نخستین بار در جشنواره "ونیز" به نمایش در آمد و گویسنده اش «ورنرهرزاگ» فیلمساز شهیر آلمانی است. «درباره نیس» فیلمی است چند قسمتی که توسط هشت کارگردان برجسته دنیا نظیر «کوستا گاوراس» و دو فیلمساز ایرانی «عباس کیارستمی» و «پرویز کیمیایی» و چند نفر دیگر ساخته شده و درباره شهرنیس و نگاهی به فیلم کلاسیک «ژان

این قافله عمر عجب می گذرد

در یاب دمی که با طرب می گذرد

ساقی غم فردای حریفان چه خوری

پیش آر پیاله را که شب می گذرد

تا کی غم آن خورم که دارم یا نه

وین عمر به خوشدلی گذارم یا نه
پرکن ققدح باده که معلوم نیست

این دم که فرو برم برآرم یا نه

گویند بهشت و حور عین خواهد بود

و آنجا می لعل و انگبین خواهد بود

گرما می و معشوق گزیدیم چه پاک

چون عاقبت کار همین خواهد بود

و یا:

ای بسکه نباشیم و جهان خواهد بود

نی نام زما و نی نشان خواهد بود

زین پیش نبودیم و نبد هیچ خلل

من بعد نباشیم و همان خواهد بود

و دیگر اینکه:

دانی که سپیده دم خروس سحری

از چیست چنین همی کند نوحه گری؟
یعنی که نمودند در آئینه صبح

کز عمر شبی گذشت و تو بی خبری

و همچنین:

می خور که به زیر گل بسی خواهد خفت

بی مونس و بی یاور و بی همدم و جفت

زنهار به کس مگو تو این راز نهفت

هر لاله که پژمرد نخواهد بشکفت

حافظ و خیام

پس از خیام شاعری که پیش از همه از تحت تأثیر خیام قرار گرفته حافظ بوده است. بطوریکه گاهی میتوان روح خیام را در قالب حافظ احساس کرد. او نیز مانند خیام در بسیاری از مواقع پنجه های مرگ را بر بالای سر خود احساس می کند و با همان نگاه خیام به دنیا می نگرد:

بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین

کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

ادامه مطلب **مشقی تازه...** از صفحه ۳۱

که وقتی ۲۲ سالش بود با او ازدواج کرده بود، یکی دیگر را هم یک سال پیش یعنی در ۲۸ سالگی گرفته بود. زن هایش با این که میدانستند دو زنه است عاشقش بودند. بعضی وقتا که دعوایشان میشد تلافی اش را سر او در می آوردند و جلال هم از خدا خواسته خراب میشد.» (بقیه این داستان را انشاءالله اگر کتابش بدستان رسید خواهید خواند)

قلعه حیوانات

جورج ارول به سال ۱۹۰۳در هندوستان متولد شد و مدتی در برمه بود. دو سال در پاریس زندگی کرد و در انگلستان به معلمی و کتابفروشی اشتغال داشت. در ۱۹۳۷ در جنگ های اسپانیا شرکت کرد و زخمی شد و در سال ۱۹۵۰ در لندن درگذشت. از جمله کتاب هایی که وی نوشته عبارتنداز: آس و پاس در پاریس و لندن، روزهای برمه، جاده ای بسمت اسکله ویگن. این نویسنده با نگارش کتاب قلعه حیوانات به شهرت رسید و کتاب هزارونهصدوهشتادوچهار "او هم بعد از قلعه حیوانات منتشر شد و شهرت و محبوبیتی نظیر قلعه حیوانات یافت. حالا کمی از مطالب کتاب قلعه حیوانات جورج ارول ترجمه امیرامیرشاهی را ملاحظه کنید: بشر یگانه مخلوقی است که مصرف می کند و تولید ندارد. نه شیرمی دهد، نه تخم می کند. ضعیفتر از آنست که گاو آهن بکشد و سرعتش در دویدن به حدی نیست که خرگوش بگیرد. معذالک ارباب مطلق حیوان است. اوست که آنها را بکار می گمارد و از دسترنج حاصله فقط آنقدر به آنها می دهد که نمیرد و بقیه را تصاحب می کند. کار ماست که زمین را کشت می کند و کود ماست که آن را حاصلخیز میسازد. با این وصف ما حیوانات صاحب چیزی جز پوست خودمان نیستیم. شما ای گاوانی که جلو من ایستاده اید، سال گذشته چند هزار گالن شیرداده اید و بر سر آن شیر که باید صرف گوساله های شما میشد چه آمد؟ هر قطره آن از حلقوم دشمنان ما پائین رفت. شما ای مرغان در همین سال گذشته چقدر تخم کرده اید. چند تایی آن جوجه شد؟ بقیه تمام به بازار رفت تا برای جونز و کسانی پول گردد.

شناخت هدایت از زبان عامیانه ما

در داستان های صادق هدایت، مشهورترین نویسنده ی توانای معاصر، هر کس، از هر صنف و طبقه ای که هست، با همان زبان ولهجه خاص صنف و طبقه ی خود گفتگو می کند. تعبیرات، اصطلاحات، ضرب المثله‌ها، همه بطور طبیعی و بی هیچ نقض و عیب، بدون آنکه کار به ابتذال بکشد- در مورد خاص خود بکار می رود. چنان است که گویی نویسنده با یکایک این افراد سالها بسر برده و گفتگوی آنان را بی تخلف یادداشت کرده است. و به جرأت میتوان گفت که تاکنون هیچ کس از نویسندگان ایران نتوانسته مانند هدایت زبان عامیانه را در فارسی با چنان مهارت و شایستگی بکار ببرد.

و از نگاه دیگر باید گفت هدایت سبک خود را از آرایش های لفظی مخصوص مشیان و مترسلان پیراسته واین امر در ایجاد یک زبان ادبی زنده و بدیع و عاری از تصنع و خودنمایی را باید یکی دیگر از خدمات بزرگ و مهم او بشمار آورد. تاثیر و نفوذ هدایت در نویسندگان جوان که پس از او آمده اند قابل انکار نیست و برآستی باید او را یکی از نویسندگان آغازگر، راهگشا و پیشتاز در ادبیات منشور ایران دانست...

(نقل از کتاب " از نیما تا روزگار ما")

ولی جای شکرش باقیست که عبادت ها را از روی وزن حیوانات تعیین نکرده اند، والا وقتی قرار باشد گنجشک چند مثقالی این همه عبادت کند، فرزند آدم که صدها برابر وزن دارد چقدر می بایست شکر کند؟ خدا آن روز را نیاورد. جهان پر از عبادت میشد و مردم مجبور بودند از کله سحر تا بوق سک عبادت کنند و مرغ تسبیح خوان بودند. نشد با این دهن کجی که کردم و فحشی که دادم خواب شیرین و تنبل پرور صبح دوباره برنگشت. باید برای فردا و روزهای دیگر فکری کرد. از بد حادثه روی درخت همسایه این جنجال راه می افتد و نمی توان سنگ انداخت و این گنجشک های پرگو و وراج را سرجای خود نشاند. چه طور است تیرو کمان بدست گیرم. آن هم که مضحک است. می ترسم همسایه ها از پشت پنجره مرا ببینند و بگویند این آقای عینکی دیوانه شده است. صبح برتی ژولیده و پولیده از بستر برخاست و مثل بچه های کوچک تیرو کمان بدست گرفت. مگر عقلش را گم کرده است. بسیار خوب می سوزم و میسازم، اما اشتباه کردم گناه به گردن گنجشک ها به تنهایی نبود. این کلاغ حرامزاده بدتر کرد. روی چوب آنتن رادیو نشست و آن قدر غار غار کرد تا من از خواب برخاستم. مرده شور هیكلش را ببرد. به قول حافظ: تو سیاه كم بها بین كه چه در دماغ دارد... فرض میکنم گنجشك ها عاید و زاهد شده اند، این کلاغ بوگندی چه غلطی می کند. هنرش كثافت خوردن و غار غار كردن و سه قرن زیستن است. به نظر شما عجیب نیست موجودی به اسم كلاغ به دنیا بیاید و سه قرن یعنی سیصدسال در این دنیا بماند و فقط كارش غار غار كردن باشد؟ شاید او را آفریده اند كه اجل جان من باشد و نگذارد خواب صبحدم با آن همه لذت و شیرینی بدمل بچسبد. (قضیه هنوز ادامه دارد)

جلال دلقك

نثر احمد غلامی را میستایم. روان، دقیق، نکته دار و جذاب است. میدانند چگونه بنویسد، هنر دارد. از کتاب: «آدم ها» نوشته وی بخشی از داستان کوتاه جلال دلقك او را برایتان نقل میکنم. امید که پسند افتد.

«جلال كارش نصب آنتن ماهواره بود. چند بار دستگیر شد و برده بودنش نیروی انتظامی جریمه، بازداشت و زندانی شده بود. وقتی از زندان آزاد میشد تا مدتی سر به راه بود. اما چیزی نمی گذشت كه دوباره روز از نو روزی از نو. وقتی كمی سر به راه می شد رفتای دوره كودكیش كه اغلب بچه مسجدی ها بودند می بردنش مسجد و نماز می خواند. نماز كه نه، نوک به زمین می زد چون خلاف نمی كرد از این و آن پول قرض می گرفت و پس نمی داد. همه چك هایش برگشت می خورد. صاحبان چك می آمدند دم مغازه فكستنی اش، او را كنك می زدند و وقتی می دیدند آه در بساط ندارد تهدیدش می كردند و از سر ناچاری بهش فرصت می دادند تا قرضش را بدهد. اما جلال همین موقع سوار موتورش میشد و عشق دنیا را میگرد. با رفقا میرفت فرحزاد كباب می خورد. میرفت خانه ها تا صبح تخته می زد. اغلب دور و بری هاش سر كارش می گذاشتند و می خندیدند. اما او بیدی نبود كه به این باده‌ها بلرزد. با این كه سنی نداشت اما شبیه پیرمردها بود. موهایش يكدست سفیدشده بود و كمزش قوز داشت. جناق سینه اش تو رفته بود. وقتی هم بچه بود باز شبیه پیرمردها بود. لب هایش يك نخ نازك بود كه بیش از اندازه كشيده بود و شده بود شبیه دلقك ها. «جلال دلقك» در این هیرو ویری جلال دو تا زن گرفته بود. یکی از آنها فامیلشان بود

شستشوی موکت، مبلمان و انواع قالی

با استفاده از جدیدترین و قوی ترین ماشین های شستشو

Residential & Commercial

اماكن مسكونی و تجاری

Stairs, Soil Treatment, Deep Clean, Anti-Bacterial, Pet Treatment, Tile & Grout Cleaning, Area Rugs

Carpet Cleaning Summer Special

Now only on 1 to 4 Rooms

♦ 1 to 2 Rooms (Reg. \$85.95) **Now Only \$49.00**

♦ 3 Rooms (Reg. \$150) **Now Only \$69**

♦ 4 Rooms (Reg. 139.99) **Now Only \$79**

With Coupon includes Steam Cleaning, Turbo Drying, Color Brightening, & Sanitation

♦ **Whole house Special (Reg. \$189.95) Now Only \$99**

With coupon includes Steam Cleaning, Turbo Drying, Sanitation, Deodorizing

(Excluding Stairs) Light Furniture moved.

♦ Scotch Guard \$40 per 500 sqft.

♦ **Sofa & Love Seat (Reg. \$170) Now Only \$85**



Same Day Appointment Available

LVCarpetCareBayArea@gmail.com

(408)334-6000

7 days a week

Visa, Master Card



5 start service is what we provide, check us out on yelp